

تعليق مراقبتی

علی امیری تبار

قاضی محاکم عمومی دادگستری کرمان و مدرس دانشگاه پیام نور

مقدمه

یکی از واکنش‌های شایع که در اعمار مختلف، همواره برای مقابله با پدیده جرم و بزهکاری مورد استفاده بشر قرار گرفته است، مجازات مبس می باشد. «مبس با هر شکل و عنوانی که نامیده و یا اجرا شود عبارت است از سلب مطلق آزادی فرد پس از محکومیت.»^(۱) یکی از اهدافی که از دیرباز برای مجازات زندان در نظر گرفته شده هدف اصلاحی و تربیتی زندان برای فرد زندانی است اما آن چه در عمل مشاهده می شود این است که با توجه به ممیط‌های غیراستاندارد و غیر فنی و غیرکارشناسی زندان نه تنها این هدف تأمین نمی شود بلکه زندان ممیط تعلیمی نامفود آگاهی است که محکومان به مبس‌های غیر ضروری در آن جا به صورت غیرارادی و کاملاً تفصی در ارتباط با مجرمین فطرناک جری تر می شوند. هزینه‌های سافت زندان و نگهداری زندانیان نیز هزینه هنگفتی است و از طرفی قدرت کار و توان اقتصادی فرد زندانی سلب می شود که همه این‌ها از نظر اقتصادی به ضرر دولت هاست. به علاوه نحوه اعمال و چگونگی اجرای مجازات مبس مطلوب نیست که این هم به قاضی و هم به دستگاه اجرایی مربوط می شود. چون از طرفی قضات بدون توجه به سایر اهداف و واقعیت‌ها تنها با توجه به هدف ارجایی مبس بیشتر به آن روی می آورند و این باعث افزایش بیش از حد تعداد زندانیان شده و دستگاه‌های اجرایی هم بین محکومان به مجازات‌های مختلف تفاوتی قائل نشده‌اند. با توجه به عدم موفقیت مجازات زندان در رسیدن به اهداف مقرر، تدابیر گوناگونی مورد توجه کیفرشناسان قرار گرفته که یکی از آن‌ها جایگزین‌های مجازات زندان است. جایگزین‌های مجازات زندان به دو دسته تقسیم شده‌اند:

۱- جایگزین‌های سنتی که شامل مواردی مثل تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط و جزای نقدی می باشد؛ ۲- جایگزین‌های نوین که اولین بار در کشور ما در لایحه مجازات‌های جایگزین مبس آورده شد که شامل مواردی از قبیل مبس در منزل، جزای نقدی روزانه، فدمات عام المنفعه و... می باشد.^(۲)

یکی از نهادهایی که در میان نهادهای مختلف حقوق کیفری جایگاه ممتازی برخوردار است، تعلیق مراقبتی است که نه تنها در اکثر نظام‌های کیفری مورد قبول قرار گرفته بلکه موضوع بسیاری از پژوهش‌های جرم‌شناسی نیز واقع شده است. استقبال بیشتر از این نهاد، به ویژه با افزایش جمعیت کیفری از یکسو و عدم کارایی مورد انتظار کیفر سالب آزادی از سوی دیگر، رو به فزونی نهاده است. ♦



فصل اول: تعلیق ساده مجازات

مبحث اول: تعریف تعلیق اجرای مجازات در لغت نامه ها و فرهنگ های حقوقی

تعلیق در لغت به معنای بلا تکلیف نهادن یک کار است به طوری که نقیماً یا اثباتاً تصمیمی راجع به آن گرفته نشده باشد. هرگاه مجرم محکوم، سابقه ارتکاب جرم نداشته باشد، به او اخطار می شود حکم فعلی تا وقتی که جرم دیگری مرتکب نشده به مرحله اجرا در نمی آید و گرنه هر دو مجازات در حق او اجرا خواهد شد.^(۲) هرگاه مجرم محکوم سابقه ارتکاب جرم نداشته باشد، به او اخطار می شود هرگاه بعداً مرتکب جرم جدیدی نشود حکم فعلی هم تا هنگامی که جرم جدیدی مرتکب نشده به مرحله اجرا در نمی آید و گرنه هر دو مجازات در حق او اجرا خواهد شد. این را تعلیق مجازات گویند.^(۳)

مبحث دوم: تعلیق اجرای مجازات از منظر و دیدگاه حقوقدانان

تعلیق اجرای مجازات عبارت است از متوقف ساختن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری یا بازدارنده محکوم شده تا چنانچه در مدت معینی پس از آن، مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستورات دادگاه در این مدت تبعیت کرد، محکومیت او کان لم یکن تلقی گردد.^(۴)

بنابراین تعلیق اجرای مجازات یکی از راه های قانونی اعطای فرصتی به مجرم برای خودداری از ارتکاب جرم و آماده شدن برای بازگشت به زندگی در جامعه است. اجتناب از زندان، انگیزه اصلی سیاست جایگزینی از طریق تعلیق اجرای مجازات حبس است اما قانونگذار جمهوری اسلامی ایران دامنه این سیاست را به مجازات های دیگر نیز گسترش داده است که استفاده نامناسب از آن همواره منشأ انتقاد به نهاد حقوقی تعلیق، مبنی بر انعطاف بیش از حد در مقابل مجرمان بوده است.^(۵)

مبحث سوم: خصوصیات تعلیق مجازات

۱- تعلیق مجازات حقی برای مجرم محسوب نشده بلکه وسیله و ابزاری است که به دادگاه واگذار شده است تا با اجرای آن مجرم قابلیت بازگشت به زندگی اجتماعی را بدون تحمل مجازات احراز نماید.

۲- تعلیق مجازات یک اغماض موقتی است و بستگی به اطاعت مجرم از دستورات دادگاه دارد.

۳- تعلیق مجازات تأسیسی است که زمینه فردی کردن مجازات با شخصیت مجرم را فراهم می نماید و رابطه مستقیم با نوع جرم و نوع مجازات

● تعلیق در لغت به

معنای بلا تکلیف نهادن یک کار

است به طوری که نقیماً یا اثباتاً

تصمیمی راجع به آن گرفته

نشده باشد. هرگاه مجرم محکوم،

سابقه ارتکاب جرم نداشته باشد،

به او اخطار می شود حکم فعلی

تا وقتی که جرم دیگری مرتکب

نشده به مرحله اجرا در نمی آید

و گرنه هر دو مجازات در حق او اجرا

خواهد شد

مقرر در قانون مجازات اسلامی دارد؛ به عبارت دیگر دادگاه نمی تواند همه مجازات ها را معلق نماید.

۴- تعلیق اجرای مجازات مظهر اختیاری است که قانون به منظور فردی کردن مجازات ها و اگذار نموده و ارتباط مستقیمی با درجه و نوع جرم و میزان مجازات مقرر در قانون و همچنین شخصیت خاص مرتکب جرم دارد.^(۶)

۵- تعلیق مجازات نوعی توافق و قرارداد بین محکوم علیه و دادگاه است به طوری که ارتکاب جرم جدید موجب الغای حکم تعلیق خواهد شد.^(۷)

مبحث چهارم: سابقه تاریخی تعلیق مجازات

اندیشه تعلیق اجرای مجازات ابتکاری غربی است که در یک سده اخیر رفته رفته به نظام های کیفری کشورهای جهان راه یافته است.^(۸)

این تأسیس حقوقی در تاریخ حقوق کیفری نمودی است که در قرن نوزدهم شکل گرفته و نهادینه شده و در قرن بیستم راه کمال را پیموده

است. پیدایش این نهاد در بدو امر، مرهون نشر افکار و اندیشه دانشمندان طرفدار مکتب تحقیقی حقوق جزا و تلاش جرم شناسان در پایان قرن نوزدهم است. بدین ترتیب نهاد تعلیق مجازات را می توان یکی از جلوه ها و بازتاب عقاید طرفداران مکتب تحقیقی در جهت جلوگیری از تکرار جرم و فراهم نمودن زمینه ی اصلاح و تربیت مجرمین به حساب آورد.

تعلیق اجرای مجازات از جمله شیوه های سنتی جایگزین مجازات حبس است که از بدو قانونگذاری در ایران سابقه تاریخی دارد.^(۹)

تعلیق اجرای مجازات اولین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، نوع تعلیق ساده پیش بینی گردید که این نوع تعلیق در خصوص مجرمین به جرایم جنحه ای بود.^(۱۰)

متعاقب آن در سال ۱۳۰۷ مقررات تعلیق اجرای مجازات مورد اصلاح قرار گرفت. در این قانون موارد مشمول تعلیق به مراتب محدودتر شد؛ اولاً، در این قانون موارد مشمول تعلیق محدود به جنحه هایی گردید که در ماده (۱) قانون سال ۱۳۰۴ تعیین شده بود؛ ثانیاً، دامنه مشمول تعلیق جزای نقدی نیز گسترده شد.^(۱۱)

سرانجام در سال ۱۳۴۶ قانون «تعلیق اجرای مجازات» در ۱۸ ماده به تصویب رسید. به موجب ماده (۱) این قانون برای محکومیت های حبس تأدیبی یا جزای نقدی یا هر دو مجازات که ناشی از ارتکاب جنحه یا جانی بود (چنان چه مجازات آن قانوناً از حبس مجرد شدیدتر نبود) دادگاه می توانست با احراز شرایط عینی، اجرای مجازات را برای مدت دو تا پنج سال در ضمن حکم محکومیت معلق کند. این قانون در مقایسه با قانون سال ۱۳۰۷ دامنه شمول گسترده تری داشت و شامل جرایم جانی نیز می شد.

قانونگذاری سال ۱۳۰۴ با فلسفه تعلیق مجازات حبس به مراتب سازگارتر بود؛ زیرا اگر هدف از تعلیق محکومیت به حبس این باشد که از آثار وخیم اقامت در زندان پیشگیری کند و محکوم علیه بی پیشینه را از آثار زیان بار معاشرت با زندانیان دیگر مصون نگه دارد، تحدید این مدت بی معناست.^(۱۲)

متعاقباً تعلیق اجرای مجازات از صورت قانونی خاص خارج شده و در قالب ماده (۴۰) در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ پیش بینی گردید.^(۱۴)

قانونگذار در این قانون در قالب ماده (۴۰) نهاد تعلیق اجرای مجازات را بیان نموده است. اما تفاوت های عمده میان این قانون با قانون ۱۳۴۶ وجود دارد از جمله این که، این قانون شامل کلیه محکومیت های تعزیری می شود که شلاق هم از جمله محکومیت های تعزیری به حساب می آید.^(۱۵) تعمیم تعلیق به سایر مجازات های تعزیری ظاهراً نشانه تحول جدیدی بود که در مبانی این تأسیس کیفری رخ داده است؛ زیرا مسأله، دیگر صرفاً پرهیز از آثار شوم زندان های کوتاه مدت نبود بلکه مراد، ارفاق به بزهکارانی بود که برای نخستین بار مرتکب جرم شده اند و تهدید اجرای مجازات در صورت ارتکاب جرم جدید، عاملی بازدارنده تلقی می شد.^(۱۶)

سرانجام با تصویب ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ مقررات ماده (۴۰) قانون راجع به مجازات اسلامی نسخ گردید و مقررات تعلیق اجرای مجازات در حال حاضر ضمن مواد (۲۵) تا (۳۷) ق.م.ا. با رعایت شرایط خاصی پیش بینی شده است که این قانون در مقایسه با قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ علاوه بر کلیه محکومیت های تعزیری شامل کلیه محکومیت های بازدارنده نیز می شود.

مبحث پنجم: اهداف تعلیق مجازات

۱- جرم زا بودن محیط زندان و جلوگیری از تأثیر سوء مصاحبت مجرم با زندانیان سابقه دار؛ به جرأت می توان ادعا کرد که مهمترین هدف تعلیق اجرای مجازات این است که دادگاه با صدور حکم تعلیق مانع ورود مجرم به محیط جرم زای زندان گردد و با این کار عملاً مجرم را از فراگیری رفتارهای مجرمانه در شرایط نامساعد زندان (بر اثر تماس با مجرمین سابقه دار) دور می کند و این امر نه تنها در تهذیب اخلاق و تربیت و وضعیت روحی و روانی مجرم می تواند مؤثر باشد بلکه زمینه تکرار جرم را در این قبیل مجرمین به حداقل می رساند.^(۱۷) یکی از اصول مسلم در تعیین مجازات ها اصل فردی

کردن مجازات هاست بدین معنی که باید در تعیین مجازات ها به شخصیت مجرم، جنسیت، سن، شرایط ارتکاب جرم و سوابق او توجه کرد که نسبت به هر یک از مجرمین تفاوت دارد که متأسفانه یا به آن توجه نمی شود یا آن را با اصل شخصی بودن مجازات ها یکی می دانند. بنابراین مبنا، شخصی که برای اولین بار مرتکب عملی می شود آن هم یک تخلف کوچک، نباید متوسل به مجازات حبس شد؛ چرا که اگر این مجازات قابلیت اجرایی پیدا کند شخص بی سابقه، در زندان به یک مجرم حرفه ای تبدیل شده و آن شخصی که به خاطر یک تخلف کوچک (مثلاً صدور چک بلامحل) به زندان رفته، در زندان با انواع و اقسام مجرمین رابطه خواهد

تعلیق مجازات محق

برای مجرم محسوب نشده بلکه

وسيله و ابزاری است که به دادگاه

واگذار شده است تا با اجرای آن

مجرم قابلیت بازگشت به زندگی

اجتماعی را بدون تامل مجازات

امروز نماید

داشت. به عبارت دیگر به زندان رفتن مجرم مستلزم رابطه داشتن با مجرمین دیگر است و نهایتاً کمال همنشین در او اثر خواهد کرد و بعد از خروج از زندان این مجرم اتفاقی به یک مجرم حرفه ای تبدیل می شود؛ زیرا کسانی به زندان فرستاده می شوند که نباید به زندان بروند و در واقع مسأله زندان خودش از بزرگترین موانع اصلاح و تربیت است و در نتیجه خود زندان تبدیل به محیطی می شود که در آن مجرمین ابتدایی و اتفاقی آموزش می بینند.^(۱۸)

۲- اصلاح و باز اجتماعی کردن محکوم علیه؛ از دیگر اهداف تعلیق اجرای مجازات، ابراز عطف و

ارفاق به مجرم از طریق تهدید به اجرای مجازات در آینده است که بیش از خود مجازات در رفتار مجرم، در مدت تعلیق می تواند مؤثر باشد. هر چند با حکم محکومیت، مجرم را متوجه خطری که در جامعه ایجاد است می کنند و او را به مجازات محکوم می سازند ولی به بزهکاران فرصت داده می شود تا در ترمیم و جبران عمل خود بکوشد و در عین حال بداند که جامعه در صدد انتقام گرفتن از او نیست و بیش از آن که با اجرای مجازات تنبیهش کند، اصلاح او مدنظر است.^(۱۹)

۳- صرفه جویی در هزینه های زندان؛ هزینه های زندان بسیار گزاف بوده و برای دولت سرسام آور است. زندان ها در بسیاری از کشورها با مشکلات فراوانی دست به گریبانند، منابع لازم برای تأمین مراقبت های پزشکی یا ایجاد امکان فعالیت زندانی ها غالباً فراهم نیست؛ در حالی که اغلب جایگزین های حبس، کم هزینه ترند. شیوه های جایگزین می تواند از نظر مالی نتایج برابر یا حتی کم هزینه تر از مجازات زندان داشته باشند و شاید عاقلانه تر باشد که دولت ها خصوصاً در کشورهای فقیر، در حد امکان این روش را جایگزین مجازات حبس کنند.^(۲۰)

۴- استفاده جامعه از کار و فعالیت مجرمین؛ چون مجرم در زمان استفاده از تعلیق، پیشه و شغل معین خود را از دست نداده و به کار و فعالیت اجتماعی خود ادامه می دهد، در نتیجه هم او و هم جامعه از عملکرد اقتصادی و عملی وی بهره مند خواهند شد.^(۲۱)

۵- جلوگیری از ایجاد انقطاع شغلی و خانوادگی مجرم؛ از جمله ضربه های عمده ای که سلب آزادی به ویژه به متهمان و مجرمان بی سابقه وارد می کند انقطاع ارتباط خانوادگی، اجتماعی و شغلی است. چه بسا در این چارچوب خانواده هایی متلاشی شوند. در ضمن حبس یک مجازات است و لذا صبغه رسواکنندگی آن همچنان باقی است و نمی توان آن را از اذهان پاک کرد. کسی که به زندان رفته است دیگر آبرویش به خطر افتاده و از دید اجتماع انسان سالمی نیست.

۶- جلوگیری از تکرار جرم؛ یکی از اهداف مجازات سالب آزادی، پیشگیری اختصاصی

(اصلاح مجرم) است؛ حال آیا زندان توانسته است به این رسالت خود عمل کند؟ براساس تحقیقاتی که انجام شده بیش از نیمی از محکومان به حبس پس از خروج از زندان دچار تکرار جرم می شوند و دو مرتبه به فرایند قضایی باز می گردند. براساس آمار ارائه شده، در ژاپن ۳۵ درصد زندانیان، در آمریکا ۶۵ درصد و در اسپانیا ۳۵ درصد و در ایران ۳۰ تا ۵۰ درصد مرتکب تکرار جرم می شوند.^(۳۲)

لذا می توانیم بگوییم که زندان رسالت عبرت و ارعاب انگیزی خود را لاقلاً نسبت به اکثر زندانیان ایفا نکرده و فقط جنبه انتقام جویی خود را به منصفه ظهور رسانده است و در واقع زندان محلی برای آموزش مجرمین ابتدایی است ولی با توسل به شیوه هایی چون تعلیق مجازات امکان کاهش تکرار جرم بیشتر می شود. براساس آماری که از هلند ارائه شده ۴۲ درصد محکومان به خدمات عمومی و ۵۴ درصد محکومان به زندان در یک دوره ۳ ساله مرتکب جرم شده اند.^(۳۳) بنابراین تاثیر هر کدام از جایگزین های حبس و مجازات حبس کاملاً هویداست.

۷- جلوگیری از تورم جمعیت کیفری: یکی از معضلات نظام های کیفری افزایش مستمر جمعیت زندان هاست. از دحام جمعیت در زندان ها نه تنها اداره سازمان زندان ها را با مشکل مواجه می کند بلکه کنترل و نظارت و تأمین و امنیت در زندان را دشوار می سازد. برعکس هر کاهش در جمعیت زندان سبب کنترل بهتر، اداره نمودن سیستم به شکلی انسانی تر، بهداشتی تر و ساده تر می باشد و در نتیجه زندان نقش خود را به نحو بهتری ایفا می کند.^(۳۴)

مبحث ششم: فواید تعلیق مجازات^(۳۵)

- ۱- جلوگیری از آثار سوء معاشرت مجرم با زندانیان سابقه دار، حرفه ای و خطرناک؛
- ۲- جلوگیری از تراکم جمعیت کیفری زندان و به تبع آن صرفه جویی از هزینه های زیاد؛
- ۳- جلوگیری، از هم پاشیدگی شغلی و خانوادگی مجرم و بهره مندی خانواده و جامعه از فعالیت اقتصادی وی و در نتیجه کاهش فساد و ارتکاب جرم از سوی اعضای خانواده زندانی؛
- ۴- جلوگیری از احساس بی اعتمادی و بی

عدالتی مجرمین نسبت به دستگاه قضایی و مجریان آن؛

۵- تعلیق اجرای مجازات به محکوم فرصتی می دهد تا با خودداری از ارتکاب جرم و سعی در تصحیح اشتباهات گذشته، عملاً وفاداری خود را نسبت به هنجارهای اجتماعی به اثبات رساند و نیز ضمن استفاده از نیروی کار خود به عنصری فعال در جامعه تبدیل شود.

◆ قانونگذاری سال ۱۳۰۴

با فلسفه تعلیق مجازات حبس به مراتب سازگارتر بود؛ زیرا اگر هدف از تعلیق محکومیت به حبس این باشد که از آثار و فواید اقامت در زندان پیشگیری کند و محکوم علیه بی پیشینه را از آثار زیان بار معاشرت با زندانیان دیگر مصون نگه دارد، تمدید این مدت بی معناست

مبحث هفتم: انتقادات وارده بر تعلیق

اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران

۱- قانونگذار در سال ۱۳۷۰ در ق.م.ا. برخلاف قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ که تمام مجازات را قابل تعلیق می دانست در ماده (۲۵) ق.م.ا. مقرر می دارد «... حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را... معلق نماید.» قانونگذار با اجرای قسمتی از مجازات این احساس را در مجرم به وجود آورده که تاوان عمل خود را پرداخته و دیگر مدیون جامعه نیست.^(۳۶)

تعلیق قسمتی از مجازات به ویژه کیفر حبس، با مبانی و اهداف تعلیق مغایرت دارد؛ لذا تعلیق قسمتی از مجازات نه تنها از نقش تعلیق به عنوان جایگزین حبس می کاهد بلکه بر احساس بی عدالتی و نارضایتی مردم نسبت به دستگاه

قضایی می افزاید.^(۳۷)

تعلیق پاره ای از کیفر نه تنها مطلقاً با منطق تعلیق هماهنگی ندارد بلکه قانونگذار مشخص نکرده که اگر قسمتی از مجازات اجرا و بقیه آن معلق شود، آیا قسمت اجرا شده باید در شناسنامه محکوم قید گردد یا خیر؟^(۳۸) و نیز می توان این ابهام را در خصوص تعلیق قسمتی از مجازات به آن افزود که آیا در صورت ارتکاب جرم در دوران تعلیق، آن قسمت اجرا شده را باید به عنوان اجرای کامل حکم محکومیت قطعی (سابقه محکومیت) در نظر گرفت و مقررات تکرار جرم را اعمال کرد یا خیر.^(۳۹)

۲- در صورت پذیرش نظریه تقدم پرداخت خسارت مدعی خصوصی بر تعلیق (موضوع ماده ۳۱ ق.م.ا.) اشکالات فراوانی پیش می آید. اولاً، چگونه قانونگذار مهلتی را برای پرداخت خسارت مدعی خصوصی مشخص نکرده است؟ سر نوشت تعلیق مجازات با ابهام باقی می ماند و در نتیجه آیا باید تا زمان صدور حکم اعسار منتظر باقی بماند؟ ثانیاً، تعلیق به عنوان جایگزین حبس در این شرایط ابزاری ناکارآمد است.

در صورتی که محکوم علیه طبق ماده (۶۹۶) ق.م.ا. تا استیفای حقوق محکوم له، در بازداشت به سر خواهد برد؛ به ویژه هنگامی که قاضی با توجه به شرایط مندرج در قانون در خصوص تعلیق اجرای مجازات و به هدف پرهیز از اجرای حبس، تعلیق آن را مناسب تشخیص دهد. بنابراین این ایرادات نه تنها به مبانی و اهداف تعلیق بلکه با هدف جایگزینی آن به عنوان بدلی برای مجازات حبس مغایرت دارد.

۳- هیچ کنترل و نظارتی بر اجرای دستورات دادگاه در ماده (۲۹) قانون مجازات اسلامی پیش بینی نشده است (به جز بند "۱" که مربوط به معرفی مجرم به دادستان یا شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند).

با توجه به این که در مواد مربوط به تعلیق در قانون مجازات اسلامی راهکارهای اعمال بندهای ششگانه در ماده (۲۹) قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است عملاً این ماده در دادگاه ها مورد استفاده قرار نمی گیرد، حتی در صورتی که مورد حکم دادگاه قرار گیرد؛ چون سازمان یا مؤسسه ای

موجود نیست که این رفتار را کنترل کند عملاً استناد به آن‌ها به غیر از بند ۱، بی نتیجه است.^(۳۰) در این خصوص در مصاحبه ای که با برخی از قضات دادگاه‌های عمومی اردبیل (۱۳۸۰ - ۱۳۷۷) در خصوص علت عدم صدور احکام تعلیق صورت گرفته بود عده‌ای به علت عدم کنترل و نظارت بر محکومین تعلیق شده، چنین نهادی را فاقد جنبه اصلاحی و از دلایل عدم صدور احکام تعلیقی برشمردند.^(۳۱)

۴- ایراد دیگر راجع به ماده (۳۰) ق.م.ا. در خصوص عدم شمول تعلیق نسبت به برخی از جرایم است که این عدم شمول تعلیق نسبت به بعضی از مجازات‌های تعزیری دلیل موجهی ندارد. به فرض، شدت و وخامت برخی جرایم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق گروهی از بزهداران گردد که همانند دیگران در معرض همان زیان‌های ناشی از اجرای مجازات‌ها خواهند بود. اساس و غایت تعلیق، اصلاح بزهداران و پیشگیری از حوادث احتمالی آتی است و تفاوتی نمی‌کند که بزهدار مرتکب چه جرمی شده باشد.^(۳۲)

۵- ایراد دیگر در خصوص تبعیض قانونگذار بین مواد (۳۶) و بندهای ۴ و ۳ ماده (۲۵) ق.م.ا. است. قانونگذار در ماده (۳۶) مقررات مربوط به تعلیق مجازات را درباره کسانی که به جرایم عمدی متعدد محکوم می‌شوند، قابل اجرا ندانسته ولی بندهای ۴ و ۳ ماده (۲۵) ق.م.ا. در صورتی که شخص قبلاً محکومیت قطعی به حبس کمتر از یک سال در جرایم عمدی و یا جزای نقدی کمتر از دو میلیون ریال داشته باشد، قابل تعلیق دانسته؛ لذا این تبعیض به این که علت کسانی که به اتهام جرایم متعدد محکوم می‌شوند هنوز تذکر و تحذیر دستگاه عدالت را دریافت نکرده‌اند؛ در برخی موارد منصفانه به نظر نمی‌رسد.^(۳۳)

همچنین این تبعیض به دلیل این که شماری از تکرارکنندگان جرم در هر صورت می‌توانند از مزایای تعلیق مستفیذ گردند، نارو است.^(۳۴)

مبحث هشتم: شرایط اعطای تعلیق مجازات
با توجه به ق.م.ا، شرایط تعلیق اجرای مجازات به دو دسته ماهوی و شکلی تقسیم می‌شوند؛ شروط

ماهوی مربوط به ماهیت محکومیت‌های سابق و وضع بزهدار و شروط شکلی مربوط به آیین اعطای تعلیق می‌شود. شرایط ماهوی تعلیق اجرای مجازات عبارتند از:
(الف) از نظر محکومیت: قانونگذار در ماده (۲۵) ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ مقرر نموده: «در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط مندرج در این ماده از دو تا پنج سال معلق کند.» بنابراین جرم باید از زمره جرایم تعزیری یا بازدارنده باشد تا مجازات آن قابل تعلیق باشد.

(ب) نداشتن سابقه محکومیت قطعی. به مجازات‌های حدی، قطع یا نقص عضو، حبس بیش از یک سال در جرایم عمدی، جزای نقدی

● جلوگیری از ایما و انقطاع

شغلی و فائودگی مجرم؛ از جمله ضربیه‌های عمده‌ای که سلب آزادی به ویژه به متهمان و مجرمان بی سابقه وارد می‌کند انقطاع از تباط فائودگی، اجتماعی و شغلی است. چه بسا در این پارچوب فائوده‌هایی متلاشی شوند. در ضمن حبس یک مجازات است و لذا صبغه رسواکنندگی آن همچنان باقی است و نمی‌توان آن را از اذهان پاک کرد. کسی که به زندان رفته است دیگر آبرویش به فطر افتاده و از دید اجتماع انسان سالمی نیست

بیش از دو میلیون ریال، محکومیت دو بار یا بیشتر به علت ارتکاب جرایم عمدی (ج) استحقاق و شایستگی مجرم: با توجه به ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی تعلیق هنگامی جایز است که دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب تشخیص ندهد.

شروط شکلی تعلیق اجرای مجازات به طور

خلاصه عبارتند از:

(الف) همزمانی صدور حکم محکومیت و قرار تعلیق (ماده ۲۷ ق.م.ا)؛

(ب) مستدل بودن حکم دادگاه (ماده ۲۸ ق.م.ا)؛

(ج) هشدار دادگاه و آگاهانیدن محکوم علیه به پیامدهای رفتار مخالف دستور دادگاه (مواد ۲۹ و ۳۵ ق.م.ا).^(۳۵)

مبحث نهم: قلمرو اعمال تعلیق مجازات

اختیار دادگاه صادر کننده حکم کیفری در اعطای تعلیق، محدود به مجازات‌های تعزیری و بازدارنده به هر قسم و میزان مجازات است. لذا ملاک در تعلیق، نوع خاص مجازات به هیچ وجه نیست بلکه نوع جرم ارتكابی است.^(۳۶) بنابراین محدوده اعمال تعلیق اجرای مجازات را با توجه به مقررات قانون مجازات اسلامی می‌توان به ترتیب زیر مطرح نمود:

۱- محکومیت به کیفر حبس در محکومیت‌های تعزیری یا بازدارنده اعم از این که حبس طویل‌المدت باشد یا کوتاه مدت به هر میزانی که باشد مشمول تعلیق خواهد شد و اختیار دادگاه در این مورد محدودیتی ندارد.

۲- محکومیت به شلاق در جرایم قابل تعزیر و بازدارنده به هر تعدادی که باشد قابل تعلیق است.

۳- محکومیت به جزای نقدی در جرایم تعزیری و بازدارنده قابل تعلیق است. با وجود این در مواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد دیگر جزای نقدی قابل تعلیق نخواهد بود (ماده ۲۶ ق.م.ا)؛ بدین ترتیب هرگاه مجازات جرم ارتكابی قانوناً حبس توأم با جزای نقدی باشد، حبس مزبور قابل تعلیق است ولی جزای نقدی توأم با حبس قابل تعلیق نیست.

۴- محکومیت به مجازات‌های بازدارنده (موضوع ماده ۱۷ ق.م.ا) که به عنوان مجازات اصلی تعیین می‌گردد نیز قابل تعلیق است.

۵- محکومیت به مجازات‌های تکمیلی و تمیمی، از قبیل تعطیل محل کسب، لغو پروانه و غیره که به ضمیمه مجازات‌های اصلی مورد حکم قرار می‌گیرند، با احراز شرایطی قابل تعلیق می‌باشند. علاوه بر آن قانونگذار در ماده (۲۲۸) قانون مجازات اسلامی قاضی دادگاه را مجاز

دانسته تا با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم، در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات های تکمیلی حسب مورد استفاده کند. (۳۷)

مبحث دهم: تفاوت تعلیق مجازات با آزادی مشروط و تخفیف مجازات

۱- تعلیق اجرای مجازات ضمن صدور حکم و در واقع قبل از اجرای حکم قطعی محکومیت است؛ در حالی که صدور حکم آزادی مشروط پس از تحمل نصف مجازات حبس در زندان امکانپذیر است.

۲- تعلیق مجازات مانع از به مورد اجرا گذاردن کیفر می گردد؛ در حالی که در تخفیف مجازات، حکم مجازات پس از قطعیت به مورد اجرا گذارده می شود.

۳- تعلیق، نوعی قرارداد و توافق بین محکوم علیه و دادگاه است به طوری که ارتکاب جرم جدید موجب الفای تعلیق مجازات می گردد؛ در حالی که ارتکاب جرم جدید بعد از اعمال جهات مخففه تأثیری در موقعیت جرم قبلی مشمول مجازات تخفیف یافته ندارد.

۴- از نظر ضوابط تعدد جرم، تعلیق مجازات درباره محکومین به جرایم عمدی متعدد منع شده و امکانپذیر نیست. ولی اعمال جهات مخففه مجازات با وجود تعدد جرم مانعی ندارد. (۳۸)

مبحث یازدهم: تفاوت تعلیق مجازات با دوره مراقبت

تعلیق مجازات حبس، جانشین زندان نیست بلکه مجازاتی است که اجرای آن معلق شده؛ به عبارت دیگر در تعلیق مجازات، حبس همچنان مجازات اصلی است ولی بنا به شرایطی معلق می شود در حالیکه دوره مراقبت به منزله ضمانت اجرای مستقل، جانشین حبس می گردد. (۳۹)

مبحث دوازدهم: آثار تعلیق اجرای مجازات

۱- به محض صدور قرار تعلیق مجازات، اجرای مجازات معلق خواهد شد و در صورتی که مجرم در بازداشت باشد، آزاد خواهد شد.

۲- در محکومیت به جزای نقدی، به محض صدور قرار تعلیق، جزای نقدی موقتاً دریافت نخواهد شد.

۳- در مورد محکومیت به شلاق تعزیری نیز با

صدور قرار تعلیق، اجرای آن موقتاً به تأخیر می افتد ولی در صورت اتمام مدت تعلیق، اجرای آن «کان لم یکن» می گردد. (۴۰)

۴- ممکن است به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی یا دیگری طبق قانون آیین دادرسی کیفری قرار تأمین صادر شده باشد.



هیچ کنترل و نظارتی

بر اجرای دستورات دادگاه در ماده

(۱۶۹) قانون مجازات اسلامی

پیش بینی نشده است (به جز

بند ۱) که مربوط به معرفی مجرم

به دادستان یا شفص یا مقامی

که دادستان تعیین می کند) ❖



در این صورت، با قطعی شدن قرار تعلیق اجرای مجازات، قرار تأمین صادره ملغی اثر می شود و لذا بر حسب مورد وثیقه مسترد و یا کفیل از مسئولیت مبرا می گردد. (۴۱)

فصل دوم: تعلیق مراقبتی (Probation)

مبحث اول: تعریف تعلیق مراقبتی

تعلیق مراقبتی یکی از مهمترین نهادهای جانشین مجازات زندان است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرایم و شمار زندانیان است. (۴۲)

این تأسیس حقوقی عبارت است از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مددکاران اجتماعی به جای کیفر در زندان، در مدت معینی به منظور آماده ساختن او برای بازگشت به زندگی اجتماعی. (۴۳)

در تعلیق مراقبتی محکوم علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می گردد که در جهت منافع وی و اصلاح و پیگیری از سقوط او در ارتکاب

جرم است.

به علاوه جامعه نیز از تحمل بزهکاران تعلیقی معاف می گردد و در مقابل، با موجبات حبس بزهکاران حرفه ای و خطرناک، جامعه از شر این قبیل بزهکاران مصون می ماند. (۴۴)

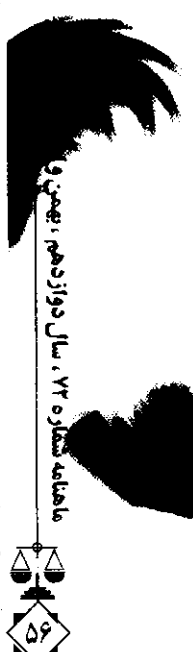
مبحث دوم: تاریخچه تعلیق مراقبتی

به وجود آمدن نهاد تعلیق مراقبتی به فعالیت های کفاشی از اهالی بوستون آمریکا به نام جان آگوستوس (John Augustus) برمی گردد. مردی که او را پدر تعلیق مراقبتی لقب داده اند. در ابتدا او با پرداخت وثیقه تعهد نمود وظیفه بازپروری و کارآموزی مردی را که مست کرده بود، بر عهده گیرد و به عنوان یک مأمور تعلیق مراقبتی عمل کرد. قاضی مرد مست را به اعمال شاقه در کانون اصلاح و تربیت محکوم کرده بود.

آگوستوس این مجازات را غیر عادلانه دانست و قضات را متقاعد نمود که با پرداخت وثیقه، وظیفه بازپروری محکوم علیه را بر عهده گیرد. قضات پس از دریافت وثیقه، از او تعهد گرفتند که سه هفته بعد محکوم علیه را برای تحمل مجازات به دادگاه آورد.

سه هفته بعد او مردی هشیار (و نه مست) را به دادگاه آورد. در حالی که دادگاه سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود، به جای تحمل مجازات معمول (حبس در کانون اصلاح و تربیت با اعمال شاقه) او را به پرداخت یک سنت به عنوان جریمه نقدی محکوم نمود.

آگوستوس در این آزمایش موفق شد و بر اثر کوشش های او تعداد ۱۱۵۲ مرد و ۷۹۴ زن از مجازات زندان معاف شدند. او اعتقاد داشت که «هدف قانون، اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرم است نه مجازات کینه توزانه یا انتقام جویانه از آن ها.» (۴۵) توفیق آگوستوس در بازپروری مجرمان منجر به قانونی شدن نهاد تعلیق مراقبتی در امریکا گردید. این نهاد برای اولین بار در سال ۱۸۷۸ زمانی که مقنن ایالت ماسوچوست قانونی مبنی بر استخدام مأمور تعلیق مراقبتی برای دادگاه های کیفری حوزه بوستون تصویب کرد، شکل قانونی به خود گرفت. (۴۶)



مبحث سوم: ویژگی های مفهوم تعلیق توأم با مراقبت

۱- تعلیق توأم با مراقبت کیفر جانشین مجازات زندان است: بدون تردید صدور قرار تعلیق توأم با مراقبت به معنای اعطای آزادی مطلق به مجرم نیست بلکه این اقدام رأفت آمیز، در اختیار قرار دادن فرصتی است که تحت نظارت و راهنمایی مددکاران اجتماعی به طور موقت و به صورت آزمایشی برای ترغیب مجرم به استفاده از این فرصت به منظور اصلاح و بازگشت به زندگی عادی داده می شود.

۲- انتخاب مجرم در چارچوب قانون: اعطای تعلیق توأم با مراقبت، بستگی به شدت و ضعف و خامت جرم و همچنین خصوصیت مجرم از نظر شرایط سنی و سابقه کیفری دارد. بدین لحاظ انتخاب مجرم برای اعطای این ارفاق قانونی مبتنی بر شایستگی های او، نوع جرم، شرایط معین و شخصیت اجتماعی است. از این روی یکی دیگر از ارکان تعلیق توأم با مراقبت، انتخاب مجرم در چارچوب قانون است. منتها این ارفاق قانونی که در ابتدا مختص جرایم کم اهمیت بوده و تنها نسبت به مجرمین جوان اعمال می گردیده به تدریج در مورد برخی از مجرمین بزرگسال و جرایم مهمتری از قبیل هتک ناموس به عنف، جرایم مواد مخدر، صدمات بدنی شدید، سرقت اتومبیل و نظایر این ها نیز اعمال گردیده است.

۳- این نوع تعلیق به معنای به تأخیر انداختن مشروط مجازات است: این روش تلفیقی است از مجازات و نظارت، و این دو عامل به نحو غیر قابل تفکیکی برای بازپروری اجتماعی شخص مجرم مورد توجه می باشد. در حقیقت تعلیق توأم با مراقبت یک ارفاق قانونی موقت است که به عنوان فرصتی مناسب برای اصلاح به مجرم اعطا می شود ولی در صورت عدم اطاعت مجرم از دستورات دادگاه امکان اعمال مجازات در ساختار این نوع تعلیق وجود خواهد داشت.

۴- تعلیق توأم با مراقبت به عنوان روشی اصلاحی مستلزم نظارت بر رفتار مجرم است: صدور قرار تعلیق مراقبتی مستلزم اعمال نوعی سرپرستی و ارشاد مجرم توسط متخصصین و

مددکاران اجتماعی در دورانی است که مجرم به طور آزمایشی تحت مراقبت قرار می گیرد. در این مدت شخص یا سازمانی که سرپرستی مجرم را عهده دار می شود بایستی با استفاده از مبانی جرم شناسی مجرم را تحت نظارت خویش مورد راهنمایی قرار داده و زمینه اصلاح و سازگاری وی را در جامعه، برای باز یافت موقعیت اجتماعی مناسب فراهم نماید.

مبحث چهارم: مزایا و فواید تعلیق مراقبتی

۱- از دیدگاه جامعه شناختی: تعلیق مراقبتی می تواند به عنوان پاسخی از سوی جامعه در نظر گرفته شود. با استفاده از روش بازپروری مجرم، نه تنها به مسایل مالی (ناشی از زندان و هزینه های آن) توجه شده بلکه لکه و داغ ننگ بالقوه ناشی از اعمال مجازات حبس نیز کاهش می یابد.

۲- وقتی یک مجرم با زندانی شدن به خارج از جامعه رانده می شود، جامعه نه تنها مجبور به

● مهمیت به کیفر مبس در مهمیت های تعزیری یا بازدارنده اعم از این که مبس طویل المدت باشد یا کوتاه مدت به هر میزانی که باشد مشمول تعلیق خواهد شد و اختیار دادگاه در این مورد محدودیتی ندارد

پرداخت هزینه های نگهداری او در زندان است، بلکه باید به تأمین هزینه های خانواده او نیز (از جمله پیشگیری از بزهکاری آنان) اقدام نماید. بنابراین تردیدی وجود ندارد که کار کردن با مجرم در اجتماع (خصوصاً از طریق تعلیق مراقبتی) مؤثرتر از حبس او در زندان جهت بازپروری اوست.

۳- تأثیر زیان بار زندان بر زندانیان جدید (بدون سابقه): زندانی جدید معمولاً از زندانیان قدیم می آموزد که چرا و چگونه دستگیر شده اند و چه کارهایی باید کرد تا از دستگیر شدن گریخت و چه روش ها و فنونی را باید به کار بست تا منافع ناشی از بزهکاری افزایش یابد.^(۳۷) تعلیق مراقبتی این پیامد منفی ناشی از زندان را از بین می برد.

مبحث پنجم: انتقادات وارده بر تعلیق مراقبتی

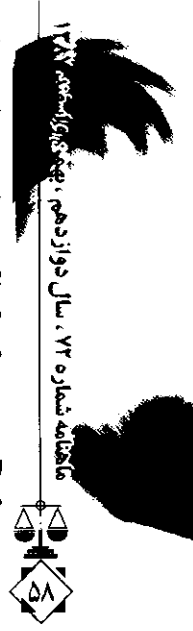
۱- ناهمگونی تعلیق مراقبتی: آیا درست است که یک مجرم پس از محکومیت به تعلیق مراقبتی، ملزم به انجام خدمات اجتماعی، درمان اعتیاد خود به مواد مخدر یا الکل و پرداخت ضرر و زیان به مجنی علیه گردد در حالی که مجرم دیگری که به خاطر ارتکاب جرم معینی محکوم شده تنها با گذراندن مدت اندکی تحت تعلیق مراقبتی، آزاد گردد و یا دیگری فقط محکوم به زندان شود؟

۲- تعلیق مراقبتی از نظر مراقبت و نظارت نیز قابل انتقاد است: اگر مأمورین تعلیق مراقبتی توان کافی جهت مراقبت و نظارت، به خاطر افزایش کار و ... نداشته باشند، اهداف این نهاد برآورده نخواهد شد.^(۳۸)

مبحث ششم: تعلیق مراقبتی و تکرار جرم

یکی از اولین تحقیقات ناظر بر تکرار جرم و تعلیق مراقبتی به وسیله «موریس کراول» در سال ۱۹۵۱ انجام گرفت. در این تحقیق او به بررسی ۱۸۶۲ بزهکار پرداخت. عوامل سن، وضعیت اشتغال، تعداد جرایم ارتكابی، محکومیت های سپری شده در کانون اصلاح و تربیت و طول مدت نظارت برای تعلیق مراقبتی، در این تحقیق مد نظر قرار گرفتند. محقق در پایان نتیجه می گیرد که تعلیق مراقبتی یک روش مؤثر درمان اجتماعی است؛ زیرا ۷۷ درصد از بزهکاران مقررات تعلیق مراقبتی را با موفقیت رعایت کرده و دوباره مرتکب جرم نشده اند.^(۳۹)

در تحقیق دیگری که در سال ۱۹۵۵ در آمریکا توسط «رالف وانگلند» انجام شد آنان به بررسی نرخ تکرار جرم در میان ۵۰۰ مجرم مشمول تعلیق مراقبتی در بخش شرقی پنسیلوانیا پرداختند. آنان



در این تحقیق دریافتند که نرخ تکرار جرم برای کسانی که دوره تعلیق مراقبتی را طی کرده اند ۱۷/۷ درصد بوده است (در مقایسه با ۲۳ درصدی که به وسیله کرادول انجام شد). این ها نیز نتیجه می گیرند که تعلیق مراقبتی یک روش موثر درمان اجتماعی است.^(۵۰)

در تحقیق دیگری که توسط «ویتو» در خصوص تکرار جرم مشمولین تعلیق مراقبتی انجام شد. ویتو به این نتیجه دست یافت که نرخ توقیف مجدد مشمولین تعلیق مراقبتی کمتر از ۲۲ درصد بوده است.

بنابراین از آن چه بیان شد می توان نتیجه گرفت تعلیق مراقبتی می تواند تا حدود زیادی از پدیده افزایش جمعیت کیفری زندان و به تبع آن، هزینه های زیادی که بر جامعه وارد می شود، جلوگیری نماید. علاوه بر این استفاده از این نهاد تا حدود زیادی از تحقق پدیده «پذیرش فرهنگ زندان» جلوگیری می کند و فرایند بازپروری اجتماعی را نیز تکمیل می کند.

البته تردیدی نیست که حصول کامل به این مقصود، نیازمند شرایطی است که در تعلیق مراقبتی باید رعایت گردد
پی نوشت ها:

۱) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶، ص ۲۷.

۲) آشوری، دکتر محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.

۳) قدیانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق جزایی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۲۹.

۴) جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۵) اردبیلی، دکتر محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰.

۶) نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «تلاش های بین المللی و قانونگذار کیفری ایران برای تحدید موارد اعمال مجازات سالب آزادی»، فصل نامه مدرس، شماره ۹، ص ۳.

۷) ولیدی، دکتر محمد صالح، منبع پیشین.

۸) گلدوزیان، دکتر ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ سوم، انتشارات مجد، ۱۳۸۳، شماره ۷، ص ۳۶.

۹) اردبیلی، دکتر محمد علی، منبع پیشین، ص ۲۴۰.

۱۰) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، صفحه ۱۰۹.

۱۱) گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۳۵۸.

۱۲) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، ص ۱۱۰.

۱۳) اردبیلی، دکتر محمدعلی، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱ و ۱۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، سال ۷۲-۷۱، ص ۲۸۷.

۱۴) دکتر گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۳۵۸.

۱۵) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، ص ۱۱۱.

۱۶) اردبیلی، دکتر محمد علی، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، منبع پیشین، ص ۲۹۴.

۱۷) پورقهرمانی، بابک، مقاله «مجازات های جایگزین حبس»، مجله دادگستر، شماره ۱۶، زمستان ۸۳، ص ۳۳.

۱۸) میزگرد «وارسی جایگزین های مجازات زندان»، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۳۸، ص ۵۰، به نقل از بابک پورقهرمانی.

۱۹) نوربها، دکتر رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۴۶۰.

۲۰) مقاله «چرا به روش های جایگزین نیاز داریم» هفته نامه یک زندان، شماره ۱۳۶، ۱۳۸۱/۳/۶.

۲۱) ولیدی، دکتر محمد صالح، منبع پیشین، ص ۹.

۲۲) آشوری، دکتر محمد، گزارش «همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین مجازات زندان»، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۳۸، ص ۱۲۶.

۲۳) نجفی دکتر ابرنآبادی، علی حسین، منبع پیشین، ص ۳.

۲۴) گزارش «همایش بین المللی بررسی مجازات های جایگزین زندان»، منبع پیشین، ص ۱۳۸.

۲۵) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، ص ۱۱۳.

۲۶) اردبیلی، دکتر محمدعلی، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، منبع پیشین، ص ۳۰۴.

۲۷) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، ص ۱۱۶.

۲۸) نوربها، دکتر رضا، زمینه حقوق جزایی عمومی، منبع پیشین، ص ۴۶۴.

۲۹) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، ص ۱۱۶.

۳۰) اخوت، محمد علی، شرح مواد قانون مجازات اسلامی، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۷۹، ص ۴۲.

۳۱) تمجید نوجه ده، فرامرز، تعلیق مجازات در حقوق جزای ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱، ص ۷۵.

۳۲) اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۲۴۲.

۳۳) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، ص ۱۱۷.

۳۴) اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۲۴۲.

۳۵) اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۲۴۳.

۳۶) اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۲۴۳.

۳۷) گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۳۶۲.

۳۸) گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۳۶۰.

۳۹) مرادی، دکتر حسن، جزوه درسی حقوق جزای عمومی (۱)، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، پاییز ۱۳۸۶.

۴۰) ولیدی، دکتر محمد صالح، منبع پیشین.

۴۱) گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۳۶۴.

۴۲) کواشی هامایی، رنوویه، روبرت هاریس و...، منبع پیشین، ص ۱۱.

۴۳) ولیدی، دکتر محمد صالح، منبع پیشین، ص ۱۰.

۴۴) گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۳۶۰.

۴۵) شهیدی، دکتر فیروز، تعلیق اجرای مجازات، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره سوم، صص ۴۴ و ۴۵.

۴۶) غلامی، دکتر حسین، مقاله «ارزیابی جرم شناختی دو نهاد حقوق کیفری: تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط»، ص ۵.

۴۷) غلامی، دکتر حسین، منبع پیشین، ص ۷.

۴۸) غلامی، دکتر حسین، منبع پیشین، صص ۷ و ۸.

۴۹) غلامی، دکتر حسین، منبع پیشین، ص ۱۰.

۵۰) غلامی، حسین، منبع پیشین، ص ۱۱.